

سبک‌شناسی رمان "ریشه در اعماق"

مهین دخت فرخ نیا^۱، نسیمه رضانی سربندی^۲

چکیده

ابراهیم حسن‌بیگی از نویسندگان توانمند معاصر است که تاکنون آثار داستانی متعددی را در حوزه ادبیات پایداری تألیف کرده است. در این پژوهش سعی شده، تحلیلی سبک‌شناختی از رمان «ریشه در اعماق» وی که جزو آثار برتر ادبیات پایداری است، ارائه شود. این مقاله، با بهره‌گیری از شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی سبکی رمان مذکور در چهار لایه واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک پرداخته و درصدد پاسخگویی به این پرسش است که بارزترین ویژگی‌های سبکی نویسنده در این رمان کدام است؟ براساس یافته‌های پژوهش، این رمان در لایه واژگانی بیشتر از واژه‌های حسی و نشان‌دار استفاده کرده است و دارای نحوی گسسته، با صدای دستوری فعال و ایستاست. تمهیدات سبکی به‌کاررفته در این اثر نیز شامل تشبیهات حسی، کنایات، استعاره، حسامیری و ضرب‌المثل است. از لحاظ فکری نیز در این اثر مسائلی چون دین‌باوری و خداباوری، میل به شهادت و... نمود بارزی دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، ابراهیم حسن‌بیگی، ریشه در اعماق.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

mahin.farrokhnia@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

nramezani.uc@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۲

مقدمه

ادبیات هر سرزمین بی‌تردید متأثر از شرایط خاص اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن است. ایران نیز سرزمینی است با تاریخی پرفرازونشیب و تحولات متعدد اجتماعی و سیاسی که در هر دوره بستر خاصی را برای خلق آثار ادبی فراهم کرده است. ادبیات پایداری از جمله گونه‌های متمایز ادبی است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی خاص در ادب فارسی پدید آمده و با وجود آنکه اخیراً مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، در تاریخ ادبیات فارسی دارای سابقه‌ای بس طولانی است. از جمله مهم‌ترین مختصات این نوع ادبی، از دید صاحب‌نظران، می‌توان به مواردی چون: پایبندی به عناصری همچون تعهد و التزام، تعالیم و آموزه‌های دینی، دفاع از حق و حقانیت، دفاع از ملیت و وطن‌پرستی، حفظ ارزش‌ها و مقابله با تهاجم فرهنگی، مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی، آرمان‌گرایی، حفظ ارزش‌های متعالی دینی و ارزش‌های اخلاقی و ... اشاره کرد. از زیرشاخه‌های ادبیات پایداری، ادبیات جنگ است. «جنگ همواره با بشر بوده و هست. منابع تاریخی کشورها اغلب شرح جنگ‌هاست و بسیاری از آثار ادبی نیز مدیون این پدیده زشت‌اند؛ اما شک نیست که این زشتی هرگاه رنگ دفاع گرفته است و به بهانه بیرون راندن متجاوز از خاک مردمی رخ داده به عملی مقدس تبدیل شده و زیباییش دانسته‌اند و شرکت در آن را شجاعت نام نهاده‌اند» (حنیف، ۱۳۸۶: ۱۴). در کشور ما نیز از آنجایی که جنگ تحمیلی جنبه دفاعی داشته و همواره دین‌باوری و ارزش‌های اعتقادی در این دفاع دخیل بوده است، از آن به‌عنوان دفاع مقدس یاد شده است.

از جمله مهم‌ترین آثار ادبی که پس از جنگ تحمیلی به آن‌ها توجه زیادی شد و حجم زیادی از آن‌ها منتشر گشت، رمان‌هایی با محوریت جنگ و دفاع مقدس بود که گاه دیدی مثبت به این حوزه داشتند و گاه منفی یا خنثی. رمان که «روایتی است، مبتنی بر جعل، می‌کوشد تا بخشی از زندگی انسان یا انسان‌ها را بازنویسی کند و در آن، تصویری انسانی، اجتماعی و فرهنگی از توفیق‌ها یا ناکامی‌های بشری به‌ویژه در عصر خاص به نمایش بگذارد» (نصر و شفیعی، ۱۳۸۱: ۱۸۷). به همین دلیل این نوع ادبی، بستر مناسبی بود برای نشان دادن واقعیت‌های جنگ و مسائل پیرامون آن. به عقیده میرصادقی رمان‌ها به علت وابستگی به زمان و مکان، به‌طور قابل‌توجهی و امदार گزارش اجتماعی و تاریخ اجتماعی

هستند و واقعیت‌ها و موقعیت‌های خاص زمانه را نیز عرضه می‌کنند (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۲۲). ازجمله نویسندگان این حوزه می‌توان به *ابراهیم حسن‌بیگی* اشاره کرد که در سال‌های جنگ فعالیت‌های فرهنگی زیادی داشته است و آثار متعددی نیز در حوزه دفاع مقدس از خود به‌جای گذاشته است. توجه به رمان‌های پایداری مسیر شناخت وقایع مربوط به یک مقطع مهم تاریخی را هموارتر می‌کند. هدف این پژوهش نیز، تحلیل رمان *ریشه در اعماق* / *ابراهیم حسن‌بیگی* از دیدگاه سبک‌شناختی است.

بیان مسئله

سبک‌شناسی، دانشی است که به مطالعه سبک به مفهوم عام می‌پردازد. اگر سبک ادبی را «روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» بدانیم (بهار، ۱۳۸۹: د) سبک‌شناسی ادبی را می‌توان شناخت ویژگی‌های یک اثر و مطالعه شیوه‌ای دانست که نویسنده یا شاعر، در متن خود به کار گرفته است. از طریق مطالعه ساختار متون ادبی، ازجمله متون داستانی و تجزیه و تحلیل مهم‌ترین عناصر سبکی در آن‌ها، می‌توان با توجه به چگونگی ارتباط بین این عناصر، سبک فردی نویسنده را مشخص کرد و به تحلیل و ارزیابی اثر ادبی پرداخت. سبک‌شناسی متون داستانی ازجمله رمان‌ها، ابزارهای لازم برای نقد این آثار را که از ضرورت‌های پژوهش‌های ادبی معاصر محسوب می‌شود، فراهم می‌کند. در این پژوهش، رمان *ریشه در اعماق* / *ابراهیم حسن‌بیگی* که ازجمله رمان‌های مطرح در حوزه دفاع مقدس است، بر مبنای سبک‌شناسی مدرن (لایه‌ای) در بخش‌های واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. گفتنی است تقسیم‌بندی کلی مباحث سبک‌شناسی این پژوهش براساس عناوین مطرح‌شده در کتاب «سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» نوشته «محمود فتوحی» انجام شده است.

پیشینه پژوهش

در حوزه سبک‌شناسی ادبیات داستانی دفاع مقدس پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است، به‌عنوان مثال: پایان‌نامه «سبک‌شناسی رمان دفاع مقدس (براساس رمان‌های سفر به

گرای ۲۷۰ درجه، شطرنج با ماشین قیامت و بیوتن)» (۱۳۹۳) نوشتهٔ عسکر هوشیار. همچنین پایان‌نامهٔ «بررسی سبک‌شناسانهٔ رمان‌های ثریا در اعماق، پسران جزیره و سه دختر گل‌فروش» (۱۳۹۱) نوشتهٔ فرشته خیری. در زمینهٔ نقد و تحلیل بعضی از آثار حسن‌بیگی تلاش‌هایی صورت گرفته است، اما جامع و کامل نیست. از جمله پژوهش‌های مرتبط با این مقاله می‌توان به پایان‌نامهٔ «نقد بوم‌گرایانهٔ رمان‌های پایان‌ها، اندوه جنگ، ریشه در اعماق و پرسه در خاک غریبه» (۱۳۹۴) نوشتهٔ ربابه قلی‌پور در دانشگاه شاهد اشاره کرد. یا پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «جلوه‌های ایثار و شهادت در عناصر داستانی، داستان‌های برجستهٔ دفاع مقدس» (۱۳۹۲) نوشتهٔ آرزو امجدیان در دانشگاه رازی. مورد دیگر پایان‌نامهٔ «فضاسازی در رمان‌های دفاع مقدس (مرحله هفتاد)» (۱۳۸۹) نوشتهٔ فاطمه صانعی در دانشگاه شهید باهنر کرمان است. از دیگر موارد مرتبط با این پژوهش می‌توان به مقالاتی چون «ریشه‌های ماندگار» (۱۳۷۴) نوشتهٔ محمدرضا سرشار در مجلهٔ ادبیات داستانی، «دربارهٔ ریشه در اعماق» (۱۳۷۴) نوشتهٔ عبدالملک شفیع، یا مصاحبه‌ای با حسن‌بیگی در مجلهٔ ادبیات داستانی تحت عنوان «خیروک نمادی از ارزش‌های متعالی» (۱۳۷۴) اشاره کرد.

با بررسی‌های انجام‌شده پژوهش مستقلی در زمینهٔ سبک‌شناسی رمان‌های حسن‌بیگی (به‌ویژه سبک‌شناسی لایه‌ای) یافت نشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

ابراهیم حسن‌بیگی از جمله نویسندگان توانمند و متعهد معاصر است که در سال‌های جنگ فعالیت‌های فرهنگی زیادی به‌ویژه در منطقهٔ کردستان داشته است. آشنایی حسن‌بیگی با فرهنگ و زندگی مردم مناطق مختلف کشور و سفر به شهرهای مختلف، به آثار وی رنگ اقلیمی بخشیده است و به قول صاحب‌نظران «حسن‌بیگی داستان‌نویس زوایای تاریک و ناشناختهٔ جامعه است، مردم، محیط و آداب‌ورسوم بومی را خوب می‌شناسد» (دستغیب، ۱۳۸۹: ۴۳). او از نادر نویسندگانی است که در سال ۱۳۶۷ لوح زرین دست خط امام (ره) را دریافت کرد و از نویسندگان برتر ادبیات انقلاب شناخته شد. رمان ریشه در اعماق وی نیز در سال ۱۳۵۷ از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس مورد تقدیر واقع

شد و در سال ۱۳۷۷ برندهٔ دیپلم افتخار جایزهٔ بیست سال ادبیات داستانی انقلاب اسلامی گردید. همچنین این اثر از جمله کتب برگزیده و برتر ادبیات دفاع مقدس در نخستین جشنوارهٔ ادبی پایداری گردید. با توجه به اینکه تا به حال پژوهش مستقل و علمی از جنبه سبک‌شناختی در مورد این اثر انجام نشده است و نظر به اینکه بررسی و تحلیل هر یک از آثار داستانی و شناسایی وجوه مثبت و همچنین کاستی‌های آن‌ها از ضروریات ادبیات معاصر محسوب می‌شود، ضرورت انجام دادن این پژوهش احساس می‌شود.

بحث و بررسی

این پژوهش به سبک‌شناسی رمان «ریشه در اعماق»/ابراهیم حسن‌بیگی می‌پردازد و آن را در لایه‌های واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. در ابتدا پیش از ورود به موضوع اصلی به اختصار به «تعریف سبک و سبک‌شناسی» می‌پردازیم.

الف. سبک‌شناسی

سبک‌شناسی که از جمله علوم ادبی مهم به شمار می‌آید، امروزه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه راهگشای بسیاری از پژوهشگران در زمینهٔ تحلیل و شناخت متون ادبی است. محمدتقی بهار که خود اولین نظریه‌پرداز در حوزهٔ سبک‌شناسی جدید در ایران است، در تعریف سبک می‌گوید: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیلهٔ ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر» (بهار، ۱۳۸۹، ج ۱، د).

تعریف شادروان بهار با اغلب تعاریف دیگر صاحب‌نظران در مورد سبک قرابت دارد. سبک‌شناسی نیز به عقیدهٔ صاحب‌نظران دانش‌شناسایی شیوهٔ کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا متن است که بنیاد آن بر تمایز و گزینش لایه‌ها و سطوح مختلف زبان است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۹۲). دانش سبک‌شناسی از آن‌رو که ابزاری مهم در جهت دستیابی به ویژگی‌ها و مختصات یک اثر ادبی و پی بردن به اسلوب هنری نویسنده یا شاعر است، اهمیت خاصی دارد؛ به‌ویژه آنکه تکیه آن بر امور عینی موجود در متن است. مهم‌ترین

مختصات سبکی آثار ادبی، از دیدگاه صاحب‌نظران، عبارت‌اند از: «اندیشه و شیوه نگرش و شیوه بیان و نحوه کاربرد امکانات زبانی؛ شامل جنبه‌های موسیقایی، واژگانی، نحوی و بلاغی و نیز ساختار و رابطه‌های ملل و محتوا و ...» (رک. / ایران‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵).

ب. سبک‌شناسی لایه‌ای یا مدرن

از جمله رویکردها و روش‌های جدید سبک‌شناسی، بررسی آثار ادبی در لایه‌های گوناگون آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک است که از آن به سبک‌شناسی لایه‌ای یاد می‌شود. این روش «کشف و تفسیر پیوند متن با محتوای آن را آسان‌تر می‌سازد؛ زیرا هر بخش از زبان در شکل دادن سبک به روشنی نشان داده می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۳۷). به‌ویژه اینکه زبان نهادی است تشکیل‌شده از اجزاء و لایه‌های نظام‌مند و هدف‌دار که در کنار هم معنادار می‌شوند، بنابراین بررسی هرکدام از این اجزاء به‌صورت جداگانه، شناخت جامعی از کل متن به دست می‌دهد. جفری لیچ و مایکل شورت در کتاب سبک در داستان (۱۹۸۱) سبک سه داستان کوتاه را در چهار سطح معناشناسی، نویسه‌شناسی و تأثیرات آوایی بررسی کرده‌اند. سیمپسون نیز در کتاب سبک‌شناسی (۲۰۰۴) مطالعه لایه‌های متن را اساس کار خود قرار داده است (رک: دربر، ۱۳۹۲: ۴۷۵). محمود فتوحی مؤلف کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها نیز به مطالعه سبک بر مبنای لایه‌های زبان توجه جدی نشان داده و با توجه به سبک‌شناسی ادبی، به جایگزینی لایه‌های بلاغی و ایدئولوژیک به‌جای معنی‌شناسی و کاربردشناسی دست زده است. در این پژوهش رویکرد لایه‌ای مبنای کار قرار گرفته است که در هر لایه، نخست متغیرهای برجسته‌ساز مشخص می‌شوند و بعدازآن تأثیر زیبایی‌شناسیک و نقش ایدئولوژیک عناصر هر لایه تحلیل می‌شود.

پ. مروری بر زندگی و آثار ابراهیم حسن‌بیگی

ابراهیم حسن‌بیگی در تاریخ یکم خرداد ۱۳۳۶ در روستای خواجه نفس از توابع شهرستان بندر ترکمن به دنیا آمده است. وی دوران دبیرستان را در بندر ترکمن گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به گرگان رفت. وی در سن ۱۶ سالگی سرودن شعر را آغاز کرد

و در همان اوان به کار نمایش‌نامه‌نویسی و کارگردانی تئاتر و بازیگری، در حد فعالیت‌های مدرسه نیز پرداخت. او بعد از انقلاب اولین داستان‌هایش را به صورت جدی نوشت و منتشر کرد. حسن‌بیگی مشاغل مختلفی داشته است از جمله مدیریت امور برنامه‌های صداوسیما، مرکز گرگان، مدیر مجتمع فرهنگی کردستان در سال‌های دفاع مقدس، رایزن فرهنگی ایران در عشق‌آباد و

از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به *ریشه در اعماق*، *معمای مسیح*، *سال‌های بنفش*، *اشکانه*، *محمد رسول‌الله*، *چته‌ها*، *غنچه برقالی* و ... اشاره کرد. وی هم در زمینه تولید آثار مربوط به کودک و نوجوان، هم بزرگ‌سال و هم کتب نقد و پژوهش فعالیت داشته است.

آثار حسن‌بیگی بیست‌وچهار بار به‌عنوان آثار برگزیده در جشنواره‌های مختلف از جمله کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شده است. وی در سال ۱۳۶۷ موفق به دریافت لوح زرین دست خط امام (ره) شد و در سال ۱۳۷۷ به‌عنوان یکی از نویسندگان برتر بیست سال ادبیات انقلاب معرفی گردید. غالب آثار حسن‌بیگی در راستای ادبیات دینی قرار می‌گیرد و تعداد زیادی از آثارش با محوریت انقلاب و دفاع مقدس نگاشته شده است. البته توجه به ادبیات دینی، بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی جلوه بیشتری یافت و توجه به آن روزافزون شد. کافی در این زمینه می‌گوید: «با توجه به شرایط اجتماعی ما دین‌باوری و باورهای معنوی یکی از موضوعات مهمی است که در اغلب نوشته‌های داستانی در کنار ادبیات جنگ جلوه خاص یافته و در حقیقت بخشی از بطن و متن هنر داستان‌نویسی امروز ما با دین‌باوری به نوعی «حضور قدسی» نزدیک شده است» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

ت. خلاصه رمان

رمان *ریشه در اعماق* در سال ۱۳۷۳ منتشر شده است. این اثر در سال ۱۳۷۵ از سوی بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس تقدیر شد و در سال ۱۳۷۷ برنده دیپلم افتخار جایزه بیست سال ادبیات داستانی انقلاب اسلامی و یکی از کتب برتر ادبیات دفاع مقدس در نخستین جشنواره ادبی پایداری گردید. این رمان در فضای اقلیمی بلوچستان می‌گذرد، به گونه‌ای که نویسنده ما را به اعماق جامعه به بلوچستان می‌برد، به محیط مردمی محروم و فقیر که زیستی بدوی و دردهایی اضطراب‌آور دارند و در فقر و فاقه روزگار خود

را سپری می‌کنند. در این اثر «با تعارض دو نوع طرز تفکر که زایندهٔ پرورش دو نسل در دو فرهنگ متفاوت (فرهنگ سکون و سکوت و فرهنگ انقلابی و تجدد) است، روبرو می‌شویم. بلوچستان از نظر جغرافیایی انتخاب خوبی است برای تعارض دو دیدگاه متفاوت» (شفیعی، ۱۳۷۴: ۱۷۴۰). ایدهٔ نوشتن این رمان که در زمرهٔ آثار ادبی مرتبط با دفاع مقدس است، از سفر حسن‌بیگی به بلوچستان و آشنایی وی با خانوادهٔ شهید شفعی محمد ملازهی نشأت گرفته است. وی در پی آشنایی با این خانواده و شنیدن مصیبت‌ها و تضادهای روحی و فکری و فرهنگی شهید با خانواده و اقوامش، تصمیم می‌گیرد داستانی کوتاه دربارهٔ این شهید بنویسد. بهره‌گیری از زندگی این شهید و تطبیق آن با تخیل نویسنده پدیدآورندهٔ رمان ریشه در اعماق می‌شود. داستان، حکایت‌گر برهه‌ای از زندگی جوان بلوچی به نام شفعی محمد یا شاپوک در بمپور استان سیستان و بلوچستان است. وی در خانواده‌ای اهل تسنن، فقیر و زحمت‌کش متولد شده و با پدر و مادر و خواهرش عایشه که از ناحیهٔ دو پا فلج است زندگی می‌کند. شفعی در رفت و آمد به کتابخانه با دو جوان به نام‌های شریف و نطقی آشنا می‌شود که زمینه‌های تحول روحی وی و علاقه‌مندی‌اش برای حضور در جبهه را ایجاد می‌کنند.

البته خانواده شفعی به دلیل فرهنگ و آداب خاص منطقه از جبهه رفتن وی ابراز نا-رضایتی می‌کنند. در این میان خان محمد، عموی شفعی که فردی قاچاقچی و شرور است بیش از بقیه با کارهای شفعی ابراز مخالفت می‌کند و همیشه از شفعی می‌خواهد تا به او بپیوندد و با دخترش گل‌بی‌بی ازدواج کند. با وجود تمام مخالفت‌ها، وی به جبهه می‌رود و در این بین با دختری به نام بمه که فرزند شهید است ازدواج می‌کند و از وی صاحب فرزندی به نام «خیروک» می‌شود. همسرش به علت بیماری سرطان از دنیا می‌رود و خیروک به خانوادهٔ عموی بمه سپرده می‌شود. شفعی به جبهه می‌رود و جانباز می‌شود. وی جفت دست‌هایش را از دست می‌دهد و دچار موج‌گرفتگی و شب‌کوری هم می‌شود. شفعی در دنیای بی‌امید خود و در میان سرزنش و عتاب از سوی طایفه خود به سر می‌برد و تنها امیدش خیروک است که در مشهد به سر می‌برد. در این میان خانواده شفعی به علت فقر فرهنگی بیماری شفعی را ناشی از وجود زار در بدن او می‌دانند و قصد دارند توسط بابای زار، زار را از تن شفعی به زیر کشند و این مسائل بیشتر شفعی را آزار می‌دهد. در نهایت شفعی

با مشقت‌های زیاد به‌تنهایی به مشهد سفر می‌کند تا خیروک را که امید و روشنی‌بخش فردای شفعی است ببیند. از نقاط عطف این داستان، توجه حسن‌بیگی به یکی از مهم‌ترین تیپ‌های اجتماعی پدید آمده بعد از جنگ یعنی جانبازان اعصاب و روان است.

ث. شیوه داستان‌پردازی

ریشه در اعماق از جمله داستان‌هایی است که زمان و مکان آن به سال‌های بعد از جنگ برمی‌گردد. این اثر تحت تأثیر عوارض جنگ و آخرین حالات و روحيات یک جانباز جنگ نوشته شده است. رمان شامل بیست‌ودو فصل است که نویسنده در آن به تناوب از دو شیوه بیان تک‌گویی نمایشی و دانای کل و گاه نیز از شیوه سیال ذهن استفاده کرده است. «به این ترتیب داستان به‌ظاهر با آمیزه‌ای از این سه شیوه بیان و عمدتاً در طول تداعی‌های ذهنی و رجعت به گذشته‌های ارادی و غیرارادی یا رؤیا و تصاویر ذهنی متعدد به تدریج گسترش می‌یابد تا به انتها می‌رسد» (سرشار، ۱۳۷۶: ۶۰). البته به نظر می‌رسد، کاربرد سیال ذهن در این اثر با طرح و نقشه‌سنجیده نبوده است (همان: ۶۴).

طرح این رمان دربرگیرنده دست‌چینی است از وقایع لااقل پنج سال از زندگی شفعی محمد، ضمن آنکه بسیار کوتاه به وقایع سال‌های قبل از آن نیز اشاراتی می‌شود. به عقیده سرشار انتخاب نقطه شروع نزدیک به پایان در این اثر، از آنجاکه نویسنده قصد پرداختن به جزئیات زندگی قهرمان را نداشته، نکته‌ای مثبت به حساب می‌آید. شفعی محمد که شخصیت اصلی داستان است با شرکت در جنگ برای دفاع از سرزمین خویش جانباز می‌شود و در این میان همسر خود را نیز از دست می‌دهد و دچار عوارض موج‌گرفتگی و شب‌کوری نیز هست. با تمام این مشکلات باید با عقاید خرافی و سخنان و رفتار و سرزنش‌بار خانواده و اطرافیان نیز مقابله کند. در میان تمام این ناملایمات تنها نقطه روشن زندگی شفعی پسر ده ساله‌اش یعنی خیروک است که بعد از مرگ بم‌ها، همسر شفعی، در مشهد نزد خانواده عموی بم‌ها به سر می‌برد. رسیدن به خیروک گره اصلی این داستان است؛ چراکه مسائلی چون از دست دادن دست‌ها و موج‌گرفتگی و شب‌کوری خود شفعی و همچنین فقر خانواده و گرفتاری آن‌ها به خاطر وجود خواهر افلیج شفعی یعنی عایشه، همه از موانع سر راه شفعی برای رسیدن به خیروک است. البته شریف که از نزدیک‌ترین دوستان

شفی و از هم‌زمان اوست نیت کمک کردن به شفی برای مشهد رفتن و دیدار خیروک را داشته است که به علت شهادتش رفتن شفی باز به تأخیر می‌افتد. در نهایت شفی خود دست به کار می‌شود و به سفر می‌رود تا به پسرش برسد، بدون اینکه این موانع از سر راهش برداشته شود. به‌طور کلی طرح داستان از یک کشمکش و درگیری اصلی به دور است. شفی، شخصیت اصلی و محوری داستان است که یک بلوغ سنی است که ظاهراً با وجود این که در داستان اشاره مستقیمی به این موضوع نشده است، شیعیه می‌شود. از دیگر شخصیت‌ها که نقش پررنگ‌تری در داستان ایفا می‌کنند می‌توان از پدر و مادر شفی، بم‌اه همسرش که فرزند شهید است، خان محمد، عموی شفی که فردی شرور و قاچاقچی است و در واقع شخصیت مقابل شفی قرار می‌گیرد و شریف و نطقی، دوستان شفی که باعث تحول در زندگی وی می‌شوند و نهایتاً خیروک که می‌تواند «نمادی از پاکی و ارزش‌های متعالی کم‌رنگ شده در جامعه باشد» نام برد (حسن‌بیگی، ۱۳۷۴: ۳۶). به‌طور کلی ریشه در اعماق، داستانی واقع‌گرا با مضمون ایثار و از خودگذشتگی یک جوان بلوغ است که به خاطر حضور در جبهه جانباخته می‌شود و به خاطر حضور در فضایی غم‌زده و ماتم‌بار دچار ضعف روحی و ناامیدی می‌شود، اما با تکیه و امید به وجود پسرش که نشان از نسل آینده است با توشه‌ای از خاطره‌ها و ثمره مبارزات و پشتوانه خون شهدا، به راه می‌افتد به امید فردایی روشن. «تندیس قامتش در بالای قلعه آماج نسیمی بود که از سوی قبله می‌وزید. نسیم بوی جبهه را می‌آورد. بوی خیروک و شریف را و فرادها را جلا می‌داد. فردا باید به مشهد می‌رفت. خیروک در انتظار بود» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۳: ۱۳۸).

ج. سبک‌شناسی رمان

سبک‌شناسی لایه‌ای ترکیبی از سبک‌شناسی سنتی و مدرن است که با تکیه بر تحلیل لایه‌ها و سطوح مختلف زبان به بررسی و تحلیل آثار ادبی می‌پردازد. در روش‌های نوین علاوه بر مطالعات سنتی به سطوح هنری و فکری اثر و گزینش فرم‌ها و قالب‌های ادبی هم توجه می‌شود. مزیت روش لایه‌ای در آن است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌سازد و سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن، جداگانه مشخص می‌کند (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۸). این روش مشخص می‌کند که هنرمند در کدام سطح و لایه زبانی و

بیانی برجستگی بیشتری دارد و تأثیرگذارتر است.

ج. ۱. لایهٔ واژگانی

کوچک‌ترین واحد معنایی که انسان برای انتقال مفاهیم از آن به شکل انفرادی یا در یک زنجیرهٔ منظم بهره می‌گیرد، واژه نام دارد. چگونگی گزینش واژه‌ها از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های یک سبک است. «نوع چینش این واژه‌ها از اعماق اندیشه، میزان هنرمندی و اهداف یک نویسنده از تولید متن، خبر می‌دهد. نقشی که گزینش واژگان و چینش آن‌ها در هر اثر ادبی دارند، بدان حد مهم است که می‌تواند به تغییر سبکی به سبک دیگر بینجامد» (هوشیار، ۱۳۹۲: ۵۶). حسی یا انتزاعی بودن خاص و عام بودن، نشان‌داری و بی‌نشانی واژه‌ها و ... از جمله موارد قابل بررسی در این لایه می‌باشد.

ج. ۱. ۱. واژه‌های حسی و انتزاعی

در هر اثر ادبی نویسنده مجبور به استفاده از هر دو گونهٔ واژه‌های حسی و انتزاعی است، اما بسامد بالای کاربرد یک گروه به سبک نویسنده و هدف وی از نوشتن باز می‌گردد. «به دلیل این‌که داستان‌ها و رمان‌های حوزهٔ دفاع مقدس در پی نمایاندن وقایع محسوس هستند، عمدهٔ واژه‌های به‌کاررفته در آن‌ها نیز محسوس و عینی است» (همان: ۵۷). نویسندهٔ ریشه در اعماق نیز که اثری در حوزهٔ وقایع مرتبط با دفاع مقدس است، غالباً از واژه‌های عینی و حسی در اثر خود استفاده کرده است که این امر موجب حسی شدن سبک و شفافیت و تأثیر هنری آن شده است:

«درد از ستون فقرات شروع شد. مدتی روی کتفش ماند و او را در خود پیچاند و بعد گردنش را خشکاند. درد مثل قوم تاتار بود وقتی به سرش رسید روی حصیر افتاد. درون سرش میدانی بود وسیع. صدای تیر می‌آمد. خمپاره و توپ و تانک بود با لهیب آتش که در آسمان موج می‌کشید» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۵۱).

«پیش از اینکه قصاب بیاید و او را چون لاشهٔ گوسفندی به تنگ دیوار بچسباند و مشتی حوالهٔ صورتش کند، شفی لگد دوم را به شیشه دیگر کوبید و به پیشخوان هجوم برد و با سر ضبط را به کف مغازه انداخت و نالۀ شهوت ناک خواننده را خاموش کرد» (همان: ۱۰۵).

حسن‌بینگی به‌ضرورت گاهی از واژه‌های انتزاعی نیز بهره برده است، اما بسامد آن‌ها در اثر کم است؛ از جمله: عشق، نکبت و مصیبت، ظلم، کرامات، عجز، کفر، عقوبت، مغرور، اندیشه و فکر و

ج. ۱. ۲. واژه‌های نشان‌دار

واژه‌های نشان‌دار علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص در بردارندهٔ معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند (فتوحی، ۱۳۹۳: ۲۶۴). بار مثبت یا منفی در واژه‌های نشان‌دار بازتاب‌دهندهٔ دیدگاه، نگرش و تلقی‌های ایدئولوژیک نویسنده نسبت به یک موضوع است. متون ادبی و سخنان اعتقادی اساساً شخصی‌اند و حاوی دیدگاه خاص گوینده هستند؛ بنابراین طبیعی است که سرشار از واژه‌های نشان‌دار باشند. بسامد واژه‌های نشان‌دار در این رمان بالاست که در ادامه به مواردی اشاره می‌شود.

نشان‌دار	بی‌نشان	نشان‌دار	بی‌نشان	نشان‌دار	بی‌نشان
به مفت (۵)	بیهوده	گنده (۱۳)	چاق	افلیج (۵۱)	بیمار
فربه (۶)	چاق	جیغ (۱۲)	فریاد	رمق (۵۴)	توان
چموش (۶)	سرکش	دق‌مرگ (۱۴)	مردن	یکه خوردن (۵۵)	شوکه شدن
یاغی (۷)		تشر زدن (۱۸)	نهیب	نا (۵۷)	توان
علیل (۷)	بیمار	یک تشست (۲۱)	تعدادی	جان‌کندن (۷۵)	تلاش

متعجب	وق زده (۷۷)	خیره شدن	زل زدن (۲۲)	خنده	لبخند (۸)
ناپود کردن	تار و مار (۷۶)	تلاش	تقلا (۲۹)	فریاد زدن	نعره کشیدن (۸)
محکم	قرص (۱۰۳)	اطراف	دور و بر (۳۰)	حرف زدن	بلغور کردن (۹)
لجباز	یک دنده (۱۴۱)	مراقبت	تر و خشک (۳۶)	مقدار کم	پشیز (۹)
				خنده	پوزخند (۱۱)

ج. ۱. ۳. رمزگان و اشاره‌گر

رمزگان که از اصطلاحات پرکاربرد در حوزه نشانه‌شناسی است «نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت بنیاد و فرهنگ بنیاد است» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۰ به نقل از هوشیار، ۱۳۹۲: ۷۴). کاربرد واژه‌های بیرون آمده از دل جنگ در رمان‌های دفاع مقدس امری طبیعی است. در ریشه در اعماق نیز همچون دیگر آثار شاهد رمزگان و واژه‌های جنگی هستیم.

«و من همان‌طور که دراز کشیده‌ام به سنگر نگاه کنم که با هر انفجار به خود می‌لرزد و بچه‌هایی را می‌بینم که در آن گلوله باران سنگین کنار موج‌گیر سنگر طوری دراز کشیده‌اند که بتوانند خط دشمن را ببینند» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۳: ۷۲).

«شاید هم لازم باشد به پشت برگردم، چشم به آسمان بدوزم و نگاهم به همه چیز شاعرانه باشد. به ماه و ستاره‌ها، به منورهایی که آویخته بر چتر کوچک‌شان فرود می‌آمدند و حتی به گلوله‌های خمسه خمسه خمپاره و توپ که سفیران مرگ بودند» (همان: ۷۳).

از اصطلاحات و واژه‌های دیگری چون خط مقدم، نیروهای خودی، عقب‌نشینی، آتش سنگین، مین گوجه‌ای، معبر، راکت، خشاب، خاک‌ریز، عملیات و اعزام نیز می‌توان یاد کرد. اشاره‌گرها یا شاخص‌ها عناوین و القابی هستند که گاه بدون نشانه یا نقش نمایی پیش از اسم می‌آیند. «اشاره‌گر عنصری زبانی به حساب می‌آید که مقید به بافت موقعیت است؛ یعنی مکان، زمان یا شخص اشاره دارد که از طریق بازشناسی موقعیت اجزای سخن شناخته می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). اشاره‌گرهای موجود در رمان‌های دفاع مقدس را به مواردی چون اشاره‌گرهای نظامی، مذهبی، صنفی و خانوادگی تقسیم کرده‌اند. رمان ریشه

در/اعماق از آنجاکه عمدتاً در شهر و در میان خانواده شفی‌محمد می‌گذرد و از محیط جبهه به دور است لذا اشاره‌گرها عمدتاً از نوع خانوادگی است؛ چراکه شفی در این اثر عمده وقت خود را در برخورد با اعضای خانواده و نزدیکان سپری می‌کند.

ج. ۱. ۴. واژه‌های بومی و محلی

رمان ریشه در/اعماق، رویکردی اقلیمی دارد و در فضای سیستان و بلوچستان و شهر بمپور اتفاق می‌افتد؛ بنابراین طبیعتاً باید دارای بار عظیمی از واژه‌های بومی و آداب‌ورسوم محلی آن ناحیه باشد؛ این رمان از لحاظ زبانی دارای نحو معیار است و گویش شخصیت‌ها نیز به صورت فارسی معیار است؛ البته لابه‌لای داستان، شاهد واژه‌های مرتبط با فرهنگ بومی آن منطقه هستیم که نویسنده برای ترسیم بهتر سیر داستان در منطقه بمپور از آن‌ها استفاده کرده است. کاربرد این واژه‌ها و اصطلاحات در فصول اولیه رمان چشمگیرتر است و در فصل‌های آخر کاربرد آن‌ها کم‌رنگ می‌شود.

«چرا تمبوره به خوشامد آن‌ها می‌زنی» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۶). [تمبوره نام سازی است در منطقه بلوچستان].

«شفی عمویت شقی است، صورتش به درزاده‌ها می‌ماند» (همان: ۹) [درزاده: غلام‌زاده، برده].

«مثل نان ساجی به دندان می‌کشید و صدای خرد شدن استخوان‌های پای عایشه توی بمپور می‌پیچید» (همان: ۱۰) [نان ساجی: نانی که در پشت دیگ چدنی پخته می‌شود].

«مرا ببین من یک زار هستم، زارد نیگ مارو» (همان: ۱۱) [زارد نیگ مارو: زاری که بیمار خود را به چشم و سردرد شدید مبتلا می‌کند].

از موارد دیگر می‌توان به جاشو، بابای زار، اهل هوا، مایع کست، ماده سوچکی و ... اشاره کرد.

ج. ۲. لایه نحوی

علم نحو به مطالعه روابط میان صورت‌های مختلف زبان در جمله و کیفیت چیدمان واژه‌ها در کنار هم می‌پردازد. «ساخت اندیشه با نحو پیوند آشکارتری دارد تا با واژه ... کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند» (فتوحی،

۱۳۹۲: ۲۶۷). در لایهٔ نحوی کیفیت چیدمان کلمات، طول جملات، پیوند جملات، بررسی وجهیت و زمان افعال و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ج. ۲. ۱. ساختمان جملات

در رمان ریشه در اعماق جملات بیشتر کوتاه و منقطع و غالباً به سبک گسسته و در وهلهٔ بعد هم‌پایه با استفاده از حرف عطف (واو) هستند. از آنجاکه رمان‌های دفاع مقدس عمدتاً به دنبال به تصویر کشیدن ملموس فضاهای پرتپش و واقعی از صحنه‌های نبرد و یا جریانات پشت جبهه هستند؛ در نتیجه نثر نویسندگان این حوزه عمدتاً پرشتاب است. کوتاهی جملات و منقطع بودن آن‌ها باعث سرعت اندیشه، شتاب و هیجان‌انگیزی سبک می‌شود و به نسبت سبک‌های مرکب عاطفی‌ترند.

«خیروکم! تو جنگ را ندیده‌ای. نبودی که ببینی. جنگ مرا از پدر و مادرم گرفت. از بمه هم گرفت. جنگ چیزی نبود که بتوانم از کنارش بگذرم. کار عقل نبود. کسی هم دستی در کار نداشت. اجباری هم نبود. هر چه بود خیروک کار دل بود» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۴۵).

«شفی به سوی عایشه لبخند زد. عایشه با پای راست سرش را نوازش کرد. شفیی پنجه‌های پایش را بوسید، بوید، به یاد آورد که با این پنجه‌ها چقدر تفنگ را به سینه فشرده است. ماشه‌ها را چکانده است. هنوز هم می‌توانست ماشه را بچکاند» (همان: ۵).

جملات رمان ریشه در اعماق عمدتاً از لحاظ رابطهٔ دستوری دارای نحو گسسته و در وهلهٔ بعد هم‌پایه هستند. به عقیدهٔ فتوحی سبک گسسته بهترین شیوه برای روایت داستان است (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۷۷). در نحو هم‌پایه نیز حسن‌بیگی غالباً برای پیوند جملات از واو عطف بهره می‌گیرد؛ چراکه واو عطف شتاب سخن را زیاد و سبک را پویا می‌کند.

ج. ۲. ۱. ۱. گسسته

«از دور دو شیخ نزدیک شدند. نزدیک‌تر که آمدند، خان محمد و شیخ جرگال را شناخت. تک‌شاخ‌ها از حرکت ایستادند، اما دهل‌ها همچنان می‌کوبیدند. خان محمد دو شاخ در دست داشت. شاخ‌های نقره‌ای پیچ در پیچ که از انتهای آن‌ها قطرات خون می‌-

چکید ...» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۷۸).

ج. ۲. ۱. ۲. هم‌پایه

«بماه اگر بود می‌توانست در ایرانشهر بماند. د رهمان اتاق ۲۰۰۴ اجاره‌ای و عمرش را این‌طور بیهوده سر نکند و اجازه ندهد خستگی و افسردگی به سراغش بیاید. سرکوفت‌های قوم و خویش را نادیده بگیرد و با سربلندی راه برود» (همان: ۳۶)

ج. ۲. ۲. صدای دستوری

صدای دستوری که نشان‌دهنده رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرایند فعلی (فاعل، مفعول و...) است (ابراهیمی و قربان صباغ، ۱۳۹۳: ۲۹۵)، در ریشه در اعماق عمدتاً از نوع فعال و ایستا است. غالباً در جملات این اثر عمل توسط عنصر اصلی جمله (نهاد) صورت می‌پذیرد و این، صدای دستوری را فعال می‌کند؛ اما از آنجاکه نویسنده به‌وفور از افعال ماضی که در یک محدوده زمانی معین انجام می‌شوند و خاتمه می‌یابند، استفاده کرده است شاهد صدای ایستا نیز در متن هستیم.

ج. ۱. ۲. ۲. فعال

«می‌گفتم: ظلمت نفسی. گفتم و گریستم. آن‌قدر که فراموش کرده بودم در نماز ایستاده-ام. بخش‌هایی از دعای کمیل را که حفظ بودم، خواندم و اشک ریختم. از پشت حباب‌های اشک می‌دیدم که دو دست به حالت قنوت مقابل صورتم قرار گرفتند» (همان: ۱۴۰).

ج. ۲. ۲. ۲. ایستا

«وقتی آتش‌بار دشمن شروع کرد، من کنار موج‌گیر سنگر نشسته بودم داشتم به تردد تانک‌های دشمن نگاه می‌کردم. بوی حمله می‌آمد. بچه‌ها از سنگر بیرون زده بودند و در سیاهی شب به دشت ناهمواری که هموار می‌نمود، نگاه می‌کردند» (همان: ۷۱).

ج. ۳. ۲. وجهیت

وجهیت که «بیان‌کننده منظور یا قصد کمی یک گوینده یا درجه پایبندی او به واقعیت

یک گزاره، یا باورپذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۱۵) و غالباً با محوریت افعال، قیدها و صفت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جملات، افعال نقش بارزی ایفا می‌کنند و نبود آن با ناقص‌شدن جملات همراه است. دستورنویسان زبان فارسی برای افعال سه وجه اخباری، التزامی و امری را تقسیم‌بندی کرده‌اند و برخی به‌جز این موارد، وجوه تمنایی، معرفتی و عاطفی را نیز اضافه کرده‌اند. غالب افعال رمان ریشه در اعماق وجه اخباری دارند که بیانگر وقوع یا عدم وقوع قطعی یک رخداد هستند، بسامد بالای این وجه در متون داستانی بیانگر ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست.

«درد به جانش نیشتر می‌زد. سینه‌اش را می‌فشرد. تا وقتی که خان شاخ‌ها را از پشتش بیرون کشید، از درد به خود پیچید. خان که رفت، شیخ جلو آمد. مقابل او زانو زد. حفره دهانش را گشود و دو دست او را به دهانش فرو برد» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۲۹).

«وقتی برگشت، پای راستش می‌لنگید. هنوز ترکش در رانش بود و گردوغبار جبهه بر سرش که موج تازه‌ای از نصیحت آغاز شد. حتی دختری را هم نشان‌کرده بودند» (همان: ۴۰).

ج. ۳. لایه بلاغی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارد. «لایه بلاغی سبک، زمینه اصلی تنوع بیان و تبلور فردیت و شخصی‌سازی زبان است ... شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی را تمهیدات سبکی نیز می‌نامند» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۲۰۳). توجه به بسامد کلماتی که در معنای ثانوی (مجاز) به کار رفته‌اند، مسائل مرتبط به علم بیان از قبیل تشبیه، استعاره، تمثیل و کنایه و همچنین مسائل بدیع معنوی و به‌طور کلی انحراف‌ها و خلاقیت-های ادبی و هنری، در این لایه از زبان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. تمهیدات سبکی به‌کاررفته در این اثر، به ترتیب بسامد عبارت‌اند از: تشبیه، کنایه، استعاره، حسامیزی و ضرب‌المثل.

دسته اول از تمهیدات سبکی به‌کاربرده شده در رمان ریشه در اعماق تشبیهات هستند که عمدتاً از نوع حسی به حسی می‌باشند. «نگاهی که در آن تشبیه حسی به حسی بیشتر باشد برآمده از ذهنیتی است حسی و نگاهی به پوسته محسوس اشیاء» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲).

(۳۲۱).

دلش تفنگی بود ناآرام و خشمش شعله‌ای بود که کشتی‌های بادبانی پرتغالی‌ها و بعداً انگلیسی‌ها را به آتش می‌کشید. (ص ۷)، خان تیغ زبانش را کشیده بود و حرف‌هایی بلغور می‌کرد (ص ۹).

صورتش عین کنگره‌های قلعهٔ دوست محمد خان بود. (همان)

عمویم مثل یک سوسک بود. (ص ۱۰)

اشک‌هایش روی گونه‌های تو می‌ریخت و مثل شبنم روی صورت برق می‌زد (ص ۱۴)

نگاهش مثل نگاه بزی گم شده از گله معصوم بود. (ص ۶۹)

چهرهٔ آفتاب سوخته‌اش مثل پوست خربزه گندیده مچاله شده بود (ص ۷۵)

بعضی از عبارات کنایی استفاده شده در این اثر نیز عبارت‌اند از:

استخوان به خامی خرد نکرده‌ام (ص ۵)، تمبوره به خوشامد آن‌ها می‌زنی؟ (ص ۶)،

می‌خواستم برایت پهن به تابه بیندازم (ص ۱۱)، سرنا را از سر گشادش می‌زنی برادر (ص

۱۹)، هر کس باید دلو خودش را پر از آب کند (ص ۲۴)، پیه همه‌چیز را به تنم مالیده بودم

(ص ۳۲)، پدر از پا نیفتاد شال به کمر بسته بود که شفی را درمان کند (ص ۵۹).

حسن‌بینگی گاهی در لابه‌لای نثر خود برای ادبی‌تر کردن متن و دست‌یابی به نثری

شاعرانه از استعاره نیز بهره می‌گیرد، به‌عنوان مثال:

در هرم نگاه‌های سرزنش‌بار عمو نشسته بود. (ص ۷)

مه‌گویی به تن هوا چسبیده بود. (ص ۲۶)

منورهایی که هوا را می‌شکافتند و در دل آسمان شعله می‌کشیدند. (ص ۶۷)

تو نگاه پدر را ندیده‌ای، از آن عجزولابه می‌بارید. (ص ۶۹)

«از دیگر وجوه برجستهٔ ادای معانی از رهگذر صور خیال کاری است که نیروی تخیل

در جهت توجه لغات و تعبیرات مربوط به یک حس انجام می‌دهد یا تعبیرات و لغات

مربوط به یک حس را به یک حس دیگر انتقال می‌دهد و این مسئله‌ای است که ناقدان

اروپایی آن را حسامیزی می‌خوانند» (محمدی افشار، شایان مهر، ۱۳۹۶: ۲۷۷، نقل از شفیع

کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۵).

تعابیری چون: درد هنوز در چشم‌هایش بود، نرم و گزنده. (ص ۳۶)

چشم‌هایش چه شیرین بودند. (ص ۳۷)

چه نگاه تیزی دارد. (ص ۶۴)

جواب بماه نگاه شیرینی بود که در چشم‌هایش موج می‌زد. (ص ۸۸)

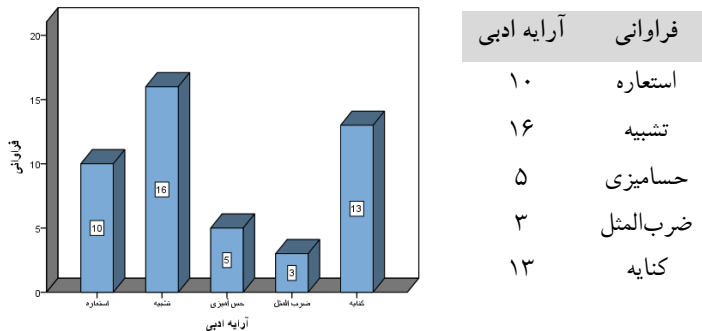
حسن‌بیگی برای هرچه روان‌تر شدن و نزدیک‌تر شدن رمانش به گفتار عامیانه، از ضرب‌المثل نیز بهره برده است:

سرنا را از سر گشادش می‌زنی برادر! (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۱۹).

از تو که بر نمی‌آید مثل خان محمد قاچاقچی بشوی و پولت از پارو بالا برود (همان: ۲۵).

بالآخره روزی راهی بمپور شدم. پیه همه‌چیز را به تنم مالیده بودم (همان: ۳۲).

نمودار و جدول ۱. ۲. تمهیدات سبکی به کاررفته در رمان ریشه در اعماق.



ج. ۴. لایه ایدئولوژیک

هر اثر مکتوب یا غیرمکتوب، نشأت گرفته از ذهن نویسنده و گوینده آن است و به دلیل اینکه تجسم ذهنی به‌دوراز جهت‌گیری نیست، دیدگاه و نگرش و به‌طورکلی ایدئولوژی فرد را در خود پنهان دارد. «ایدئولوژی نظامی از باورهاست که در میان اعضای یک گروه اجتماعی مشترک است و بن‌مایه‌های شناختی اعضای آن گروه را در یک طرح‌واره منسجم و ساخت‌مند شکل می‌دهد» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۴۹).

از دید برخی صاحب‌نظران ایدئولوژی هم می‌تواند دارای وجوه مثبت و هم منفی باشد. به عقیده تامپسون وجه منفی ایدئولوژی آنجاست که در خدمت مشروعیت‌بخشی به سلطه

و قدرت در می‌آید و وجه مثبت آن زمانی است که به مقاومت در برابر قدرت، مشروعیت می‌بخشد (رک: هوشیار، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دفاع مقدس نه تنها بر روی اقتصاد و سیاست و اجتماع بلکه بر روی مسائل فرهنگی، به‌ویژه ادبیات این سرزمین نیز تأثیر گذاشت. تهاجم کشوری بیگانه به سرزمین ما نه تنها حاکمیت ملی ما را تهدید می‌کرد بلکه جمهوری شکل گرفته در نظام اسلامی را نیز در معرض خطر قرار داده بود. به این ترتیب مقابله با جنگ تحمیلی، دفاع مقدس نام گرفت و مضامین جدید و ارزشی؛ مانند *ایثار و شهادت*، *توسل و توکل* و *بیان رشادت‌های رزمندگان* و... وارد ادبیات شد. *ریشه در اعماق* نیز از جمله این آثار است که متأثر از جنگ و تبعات حاصل از آن نگاشته شده است. این اثر واقع‌گراست و سعی داشته تلقی‌های حاصل از جنگ و نیز بازماندگان آن را به تصویر بکشد.

اگرچه دیدگاه حسن‌بیگی نسبت به جنگ، منفی نیست، در طول داستان، سعی می‌کند، به همه جوانب جنگ به‌ویژه اثرات مخرب آن نیز نظر داشته باشد. شفی‌محمد باوجود آسیب‌های جدی که از جنگ دیده است و باوجود تمام ناملایمات و عتاب‌های اطرافیان، بر این باور است که اگر می‌توانست باز هم می‌بایست به جبهه می‌رفت. حسن‌بیگی در این باره می‌گوید: «امروز می‌بینم که جبهه تازه‌ای در مقابل شفی‌محمد باز شده و او در این جبهه تازه به دنبال تثبیت ارزش‌هایی است که به خاطرش جنگیده است. او می‌خواهد به توانمندی‌هایی برسد که اینک به‌ظاهر آن‌ها را از دست داده است. اینجا شفی‌محمد به سمت آن باورها و آمال حرکت می‌کند و این حرکت، حرکتی سطحی و گذرا نیست، بلکه حرکتی درونی است» (حسن‌بیگی، ۱۳۷۴: ۳۵). خداباوری و جهاد، از دیگر بنیان‌های فکری نهفته در آثار ادبی دفاع مقدس است. *ریشه در اعماق* نیز از این امر مستثنا نیست. تعهد شفی‌محمد نسبت به سرزمینش و تلاش برای به دست آوردن رضایت خداوند، در این اثر به چشم می‌خورد. آنجا که می‌گوید: «صدام زنده باشد و من در کنج کپر با خیال آسوده درس بخوانم، بخورم و بخوابم؟ و اگر نبود حس تکلیفی که سنگینی‌اش را بر دوش احساس می‌کردم، نمی‌رفتم تا دل پدر را به دست آورده باشم، اما حالا در پی به دست آوردن دل خدا بودم» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۲: ۳۰). با تکیه بر این ارزش‌های اعتقادی و دین‌باوری نهایتاً میل شدید به شهادت در وجود شفی، زبانه می‌کشد. «مگر او چه از دست داده بود که

مستحق چنین نگاه‌هایی بود؟ خواسته بود که بیشتر از دو دست از دست بدهد. به شریف گفته بود: کمتر از شهادت را تحمل نمی‌کنم» (همان: ۶۳-۶۲). از مسائل محوری دیگر در این اثر که نویسنده سعی در نشان دادن آن دارد، وضعیت سخت جانبازان جنگ است و شرایط مشقت‌باری که فقط با نیروی ایمان و اعتقاد با آن مقابله می‌کنند؛ و شفی محمد در کنار همه این موارد سختی‌ها را به امید حضور پسرش خیروک که نمادی از پاکی و ارزش‌های متعالی است تحمل می‌کند. احتمالاً انتخاب نام خیرمحمد یا خیروک نیز خود متأثر از همین اندیشه بوده است.

نتیجه‌گیری

در تحلیل واژگانی رمان *ریشه در اعماق* دریافتیم که نویسنده غالباً از واژگان حسی بهره برده است و این امر در حسی شدن و شفافیت و تأثیر هنری رمان تأثیرگذار بوده است. همچنین در این سطح کاربرد واژگان و اصطلاحات نشان‌دار، رمزگان مرتبط با جنگ و اشاره‌گر خانوادگی نیز قابل مشاهده است. از آنجاکه رمان خاستگاه اقلیمی نیز دارد حسن‌بینگی در این لایه سعی کرده با آوردن واژگانی بومی، بر طبیعی بودن فضای داستان بیفزاید. البته این امر در فصول اولیه رمان قابل توجه‌تر است.

در لایه نحوی نیز عمده جملات، ساختی ساده و روان و بیشتر کوتاه و منقطع دارد و غالباً نحو جملات گسسته و در وهله بعد هم پایه به‌ویژه با کاربرد "واو عطف" هستند که این امر به شتاب و هیجان و هر چه عاطفی‌تر شدن متن می‌انجامد. صدای دستوری حاکم بر داستان غالباً از نوع فعال و ایستاست. افعال در این اثر بیشتر وجه اخباری دارند که وقوع یا عدم وقوع قطعی یک رخداد را بیان می‌کنند و نشان‌دهنده ارتباط نزدیک گوینده با رخدادها و حوادث هستند.

در تحلیل لایه بلاغی نیز شاهد این بودیم که به ترتیب عناصر کنایه، تشبیه، حسامیزی و استعاره در اثر به‌کاررفته؛ و این تمهیدات سبکی در هر چه بیشتر شاعرانه کردن و هنری کردن سبک مؤثر بوده‌اند.

ایدئولوژی حاکم بر این اثر نیز دین‌باوری و خداباوری، میل به شهادت و ایثار، ترسیم حال جانبازان (به‌ویژه جانبازان اعصاب و روان) و تعمق بیشتر در زندگی آن‌هاست.

منابع

۱. ابراهیمی، شیما و قربان صباغ، محمودرضا. (۱۳۹۳). سبک‌شناسی نحوی داستان قفس صادق چوبک بر اساس صدای دستوری. فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران. ش ۵. صص ۱۰۴-۸۵.
۲. ایران‌زاده، نعمت‌الله. (۱۳۹۰). نظریه سبک در ایران، فصلنامه بهار ادب. سال چهارم. شماره ۲. صص ۲۰-۱.
۳. بهار، محمدتقی. (۱۳۸۹). سبک‌شناسی. ج اول. چاپ دهم. تهران: امیرکبیر.
۴. حسن‌بیگی ابراهیم. (۱۳۷۴). خیروک نمادی از ارزش‌های متعالی، مجله ادبیات داستانی. شماره ۳۴. صص ۳۶-۲۲.
۵. حسن‌بیگی ابراهیم. (۱۳۹۲). ریشه در اعماق. چاپ دوم. تهران: محراب قلم.
۶. حنیف، محمد. (۱۳۸۶). جنگ از سه دیدگاه. تهران: صریر.
۷. دربر، مریم. (۱۳۹۲) نقد و بررسی کتاب سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، مجله سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پیاپی، ۱۹ ...
۸. دستغیب، عبداللهی. (۱۳۸۹). ریشه در اعماق و داستان‌های دیگر، هنرمند. شماره ۹۴. صص ۴۲-۴۰.
۹. سرشار، محمد رضا. (۱۳۷۴). ریشه‌های ماندگار، ادبیات داستانی. شماره ۳۰. صص ۷۳-۵۸.
۱۰. شفیع، عبدالملک. (۱۳۷۴). درباره ریشه در اعماق، ادبیات داستانی. شماره ۳۱ و ۳۲. صص ۷۵-۷۴.
۱۱. هوشیار، عسکر. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی رمان دفاع مقدس (براساس رمان‌های سفر به گرای ۲۷۰ درجه، شطرنج با ماشین قیامت، بیوتن). استاد راهنما: محمد رضا صرفی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۲. فتوحی، محمود. (۱۳۹۲). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها، روش‌ها. چاپ دوم. تهران: سخن.
۱۳. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۴. محمدی افشار، هوشنگ و شایان مهر، کبری. (۱۳۹۶). سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور، نشریه ادبیات پایداری. سال نهم. ش ۱۶. صص ۲۸۱-۲۵۹.
۱۵. میرصادقی، جمال. (۱۳۸۲). ادبیات داستانی. تهران: بهمن.
۱۶. نصر اصفهانی، محمد رضا و شفیع، میلاد. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی رمان جای خالی سلوچ، پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۲. صص ۲۰۴-۱۸۵.